حقیقت مودت اهل صفا چه در روی و چه در
قفا نه چنانک از پست عیب گیرند و پیشت بمیرند

شعر

در برابر چو گوسفند سلیم • در قفا همچو گرگ مردم خوار •

هرکه عیب دگران پیش تو آورد و شمرد • بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد •

تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت خواستم تا مرافقت کنم موافقت نکردند گفتم از کرم و اخلاق بزرگان بدیع و بعید است روی از مصاحبت مسکینان گردانیدن و فایده دریغ داشتن چو من در نفس خود این قدر قوت و سرعت می شناسم که در خدمت مردان یار شاطر باشم نه بار خاطر

بیت

إن لم أكن راكب المواشي • أسعى لكم حامل الغواشي •

یکی ازان میان

یکی ازان میان گفت ازین سخن که شنیدی دل تنگ مدار که درین روزها دزدی بصورت درویشان برآمده بود و خود را در سلک صحبت ما منتظم کرده

شعر

چه دانند مردم که در جامه کیست • نویسنده داند که در نامه چیست •

از انجا که سلامت حال درویشان است گمان فضولش بردند و بیاری قبولش کردند

بیت

صورت حال عارفان دلق است •• این قدر بس که روی در خلق است •

در عمل کوش هر جه خواهی پوش • تاج بر سر نه و علم بر دوش •

ترک دنیا و شهوت و هوس • پارسایی نه ترک جامه و بس •

در قزاگند مرد باید بود • بر مخنث سلاح جنگ چه سود •

حکایت